

تفسیر سوره فجر ( حجت الاسلام و المسلمین استاد قرائتی )

این سوره سی آیه دارد و در مکه نازل شده است.

نام آن برگرفته از آیه اول و به معنای سپیده دم است.

همانند دیگر سوره های مکی، آیات آن، کوتاه و کوبنده و انذار دهنده است.

این سوره بخش های متعددی دارد که با سوگند به زمان هایی همچون شب، سحر و سپیده دم آغاز می شود و با اشاره به سرگذشت اقوامی طغیان گرو سرکش ادامه می یابد.

سنت آزمایش و ابتلا از سوی خداوند و عکس العمل های متفاوت انسان در برابر آن و همچنین حضور انسان در دادگاه قیامت و اظهار حسرت و پشیمانی ناپاکان و ابراز خشنودی در رضایت پاکان، ادامه آیات این سوره را تشکیل می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَ الْفَجْرِ «۱» وَ لِيَالٍ عَشْرٍ «۲» وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ «۳» وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ «۴» هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ «۵»

(۱) به سپیده دم سوگند. (۲) به شبهای ده گانه سوگند. (۳) به زوج و فرد سوگند. (۴) به شب سوگند آنگاه که سپری شود. (۵) آیا (در این سوگندها) برای اهل خرد، سوگندی مهم نیست؟

**نکته ها:**

\* «فجر» به معنای شکافتن است و مراد از آن، شکافتن تاریکی با سپیده دم است که زمان مقدس و با ارزشی است و در آن هنگام، جنبنده ها به تکاپو می افتند و صبح و روز تازه ای را آغاز می کنند.

در حدیثی مراد از فجر را حضرت مهدی علیه السلام دانسته «الفجر هو القائم علیه السلام» که شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت برچیده خواهد شد. [۱]

\* «حِجْرٌ» به معنای منع و مراد از آن عقل است که انسان را از کار خلاف منع می کند. چنانکه «محجور» به معنای ممنوع التصرف است.

\* در روایات، برای «شفع» به معنای زوج و «وتر» به معنای فرد، مصادیق زیادی گفته شده است، از جمله اینکه مراد از وتر، روز نهم ذی الحجه (روز عرفه) و مراد از شفع روز دهم

ذی الحجه (عید قربان) است و یا مراد از شفع، دو کوه صفا و مروه است و مراد از وتر، کعبه که یکی است. و یا مراد از وتر، خداوند یکتا و مراد از شفع، مخلوقات اند که همه جفت و زوج هستند، یا مراد نماز مستحبی شفع و وتر است که در سحر خوانده می شود و یا مراد از شفع، روز نهم و دهم ذی الحجه و وتر، شب مشعر است [۲]

\* زمان خیلی ارزشمند و بلکه مقدس است و نباید آن را بیهوده از دست دهیم. خداوند به تمام بخشهای زمان سوگند یاد کرده است؛

«وَالصُّبْحِ [۳] به صبح سوگند، «وَالضُّحَى [۴] به چاشت سوگند، «وَالنَّهَارِ [۵] به روز سوگند، «وَالْعَصْرِ [۶] به عصر سوگند.

جالب آنکه به سحر سه بار سوگند یاد کرده است؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ [۷]، «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ [۸]، «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ [۹] (به شب سوگند آنگاه که رو به آخر می رود، یعنی به هنگام سحر سوگند).

\* مراد از «لَيَالٍ عَشْرٍ»، یا ده شب آخر ماه مبارک رمضان است که شبهای قدر در آن قرار گرفته و یا ده شب اول ماه ذی الحجه است که روز عرفه و عید قربان را شامل می شود.

### پیام ها:

۱- زمان، مقدس و قابل سوگند است. «وَالْفَجْرِ»

۲- بعضی ایام از قداست ویژه ای برخوردار است. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ»

۳- ساعات پایان شب که سالکان در آن سیر معنوی دارند، از قداست خاصی برخوردار است. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ»

---

#### ۴- مخاطبان قرآن، اهل خردند. «لِذِي حِجْرٍ»

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِنْهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾ وَنَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

(۶) آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۷) همان قوم ارم، (شهری) که دارای بناهای ستون دار بود. (۸) (بناهایی) که مانندش در دیگر شهرها ساخته نشده بود. (۹) و با قوم نمود که در وادی خود تخته سنگها را (برای ساختن خانه) می بردند. (۱۰) و با فرعون، صاحب قدرت و سپاه عظیم. (۱۱) آنها که در شهرها طغیانگری کردند. (۱۲) و در آن، فساد و تباهی افزودند. (۱۳) پس پروردگارت تازیانه عذاب بر آنان فرود آورد. (۱۴) همانا پروردگارت در کمین گاه است.

#### نکته ها:

\* قوم عاد دو گروه بودند؛ عاد قدیم و جدید به دلیل آیه «عاد الاولى»، که بعد از حضرت نوح در منطقه احقاف زندگی می کردند و دارای هیكل هایی بزرگ و قدرتی عظیم و شهرهایی آباد بودند.

\* «إِرْمَ» یا نام دیگر قبیله عاد است یا نام شاخه ای از قوم عاد و یا نام منطقه ای که قوم عاد در آن زندگی می کردند که ساختمان هایشان دارای ستون هایی بزرگ و بلند بوده است.

بعضی ارم را ساختمان شداد و بعضی ساخته اسکندر در اسکندریه دانسته اند.

\* «صخر» جمع صخره به معنای سنگهای بزرگ و سخت است و «واد» به فاصله میان کوه و تپه گفته می شود.

\* «عماد» به معنای ستون یا ساختمان بلند است و «نمود» به اعراب ما قبل تاریخ گویند که در شمال عربستان ساکن بودند قومی که پیامبر آنها حضرت صالح بود.

\* «جابوا»، به معنای بریدن سنگ است و کلمه «جواب» که از این ریشه است، به معنای قطع سؤال با پاسخ صحیح است.

\* ظاهراً قوم نمود بعد از قوم عاد بوده اند که نامشان بعد از آنها برده شده است.

\* قهر بر عاد و نمود نمونه ای از در کمین بودن خداوند نسبت به ستمکاران است.

خداوند در کمین است، یعنی خلافاً کاران راه گریز ندارند و به طور ناگهانی گرفتار می شوند.

استحکام ساختمان‌ها مانع قلع و قمع الهی نیست و به خاطر محکمی ساختمان نباید از قهر خداوند احساس امنیت کرد.

\* مقصود از «ذُو الْأَوْتَادِ» یا آن است که پایه‌های حکومت فرعون محکم بود یا آنکه مخالفان خود را میخکوب می‌کرد و یا آنکه سپاه فراوان داشت.

\* کلمه «صب» به معنای ریختن است، تعبیر بارش عذاب، شاید کنایه از عذاب پی در پی و مداوم باشد. [۱۰]

\* چگونه خداوند در کمین نباشد در حالی که او از رگ گردن به ما نزدیک تر است؟ «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» [۱۱]

### پیام‌ها:

۱- تاریخ قلع و قمع متجاوزان را فراموش نکنید. «أَلَمْ تَرَ»

۲- نابود کردن طغیانگران جلوه ربوبیت خداوند است. «فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ» به قول سعدی: ترخم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر کوسفندان

۳- نشانه خرد و عقل، عبرت گرفتن از تاریخ است. «لِذِي حِجْرٍ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ»

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط وحی از تاریخ قوم عاد و ثمود و فرعون آگاهی داشت.

«أَلَمْ تَرَ»

۵- ابتکار در معماری با استفاده از سنگ، در آن قوم عاد بوده است. «لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ»

۶- اختلاف و تضاد فکری، مانع از بیان هنر و ابتکارات دیگران نشود. «لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ»

۷- قدرت بدون معنویت، عاملی است برای برهم زدن امنیت. جَاءُوا الصَّخْرَ ... ذِي الْأَوْتَادِ ... طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

۸- طغیانگر و طغیان مرز نمی‌شناسد. «طَغَوْا فِي الْبِلَادِ» (مراد از بلاد، همه مناطقی است که به آن دسترسی داشتند)

۹- سرچشمه تباهی و فساد، طاغوت‌ها هستند. «طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ»

۱۰- تمدن و پیشرفت، اگر همراه با تقوا و صلاح نباشد عامل سقوط و هلاکت است. «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ»

۱۱- مربی، گاه برای تنبیه، نیاز به شلاق دارد. «رَبُّكَ سَوْطٌ»

۱۲- طغیان و فساد جز با قهر بر طرف نمی شود. طَعَوْا ... سَوْطَ عَذَابٍ

۱۳- مهلت ها شما را مغرور نکند که خدا در کمین است. «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»

۱۴- کیفر دنیوی نسبت به عذاب اخروی همچون تازیانه ای است که درد آن موقت و آثارش سطحی است و تنها بر پوست می ماند. «سَوْطَ عَذَابٍ»

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَ لَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثِ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾ وَ تَحِبُّونَ الْآمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

(۱۵) اما انسان، (طبعش چنین است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است. (۱۶) ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است. (۱۷) این چنین نیست؛

بلکه شما یتیم را گرامی نمی دارید. (۱۸) و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی کنید. (۱۹) و میراث را (به حق و ناحق) بکجا می خورید. (۲۰) و مال را بسیار دوست دارید.

**نکته ها:**

\* «أَكْلًا لَمًّا» یعنی یکجا خوردن، بدون دقت در این که حلال است یا حرام و آیا مال دیگران به آن اضافه شده یا نه. «لَمًّا» مصدر «لممت» به معنای جمع و ضمیمه کردن است.

\* «جَمًّا» به معنای زیاد و انباشته است.

\* رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من و هر کسی که یتیمی را تحت تکفل خود قرار دهد، در بهشت در کنار هم هستیم [۱۲]

\* یکی از سنت ها و برنامه های قطعی خداوند، آزمایش مردم است؛ البته نه برای شناختن، بلکه برای ظهور خصلت ها و بروز تلاش ها تا بر اساس آن اجر و پاداش دهد.

آزمایش های الهی گوناگون است، گاهی با رفاه و ثروت انسان را آزمایش می کند و گاهی با تنگدستی و مشکلات. ولی انسان عجزول که از آزمایش الهی و اهداف آن غافل است، دست به قضاوت ها و تحلیل ها و تفسیرهای غلط زده و از خداوند گلابه می کند.

### پیام ها:

۱- آزمایشهای الهی، جلوه ای از در کمین بودن پروردگار نسبت به انسان است.

إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمِرْصَادِ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ ...

۲- آزمایش، وسیله تربیت و رشد انسان است. «الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ»

۳- دریافت های انسان بر اساس لطف اوست نه استحقاق ما. پس گرفتار غرور و عجب نشده و از آزمایش غفلت نکنید. «فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ»

۴- نه فقر نشانه اهانت است و نه دارایی نشانه کرامت؛ بلکه هر دو وسیله آزمایش است. ابْتَلَاهُ ... فَأَكْرَمَهُ، ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

۵- مهمتر از جسم یتیم روح اوست که باید گرامی داشته شود. «تُكْرِمُونَ»

۶- کمبودهای روحی را با احترام و محبت جبران کنید. (اولین انتظار یتیمان احترام به شخصیت آنان است) «تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ»

۷- در مورد کارهای خداوند، قضاوت نابجا نکنید. دلیل تنگی رزق را بی اعتنائی خداوند نپندارید، بلکه نتیجه عملکرد خودتان بدانید. «كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ»

۸- احسان به دیگران، در رزق و روزی انسان نقش مهمی دارد. «لَا تُكْرِمُونَ - فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ»

۹- بینوایان نباید گرسنه بمانند. با انفاق خود، با تشویق دیگران باید به آنان رسیدگی کرد. «تَحَاضُّونَ عَلَي طَعَامِ الْمَسْكِينِ»

۱۰- در درآمدهای خود دقت کنید؛ هر نانی مصرف کردنی نیست. «أَكْلًا لَمًّا»

۱۱- علاقه به مال فطری است، آنچه مذموم است، علاقه شدید است «حُبًّا جَمًّا»

۱۲- تکریم خداوند از شما، باید سبب تکریم شما از یتیمان باشد. فَأَكْرَمَهُ ... لَا تُكْرِمُونَ

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ  
أَنَّى لَهُ الذُّكْرَى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ  
أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

(۲۱) چنان نیست، (که می پندارید، بلکه) آنگاه که زمین به شدت درهم کوبیده شود. (۲۲) و (فرمان) پروردگارت با فرشتگان صف در صف فرارسد. (۲۳) در آن روز دوزخ را حاضر کنند، در آن روز انسان متذکر شود ولی این تذکر چه سودی برایش دارد؟ (۲۴) (در آن روز انسان) می گوید: ای کاش برای زندگی (امروز) چیزی از پیش فرستاده بودم. (۲۵) پس در آن روز هیچکس به مانند عذاب او عذاب نکند. (۲۶) و هیچکس چون به بند کشیدن او، در بند نکشد.

#### نکته ها:

\* «دک» به معنای کوبیدن و هموار کردن است و دکه و دگان جایی است که برای عرضه اجناس، زمین آن هموار و مهیا می شود.

\* امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از «جاء رَبُّكَ»، آمدن فرمان پروردگار است (نه آمدن خود پروردگار). [۱۳] چنانکه در آیه ۳۳ سوره نحل می فرماید: «يَأْتِي أَمْرُ رَبِّكَ»، فرمان پروردگارت می آید.

\* مراد از «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ»، پرده برداری از روی آن باشد [۱۴] چنانکه در جای دیگر می فرماید: «بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى» [۱۵]

\* هنگامی که آیه «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درهم فرو رفت، به گونه ای که هیچکس جرأت سخن گفتن با آن حضرت را نداشت. [۱۶]

#### پیام ها:

۱- خداوند، انسان را از علاقه شدید به مال و تصاحب حق دیگران باز می دارد.

تُحِبُّونَ الْمَالَ - كَلَّا ...

۲- داروی حرص و حب مال، یاد قیامت است. نَأْكُلُونَ الثَّرَاتِ ... تُحِبُّونَ الْمَالَ ... كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

۳- قیامت، روز حاکمیت مطلق فرمان الهی است. «جاء ربُّك»

۴- از رعایت نظم و سلسله مراتب، نمایش قدرت فرشتگان در قیامت به چشم می خورد. «الْمَلِكُ صَفًا صَفًا»

۵- تذکر و پشیمانی در قیامت سودی ندارد. «وَأْتَى لَهُ الذِّكْرَى»

۶- قیامت، روز هوشیاری و یادآوری است. «يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ»

۷- جهنم، در قیامت ظاهر می شود. جیء... بِجَهَنَّمَ

۸- قیامت روز حسرت است. «يا لَيْتَنِي»

۹- آرزو کارساز نیست، تلاش لازم است. «يا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ»

۱۰- زندگی واقعی و ابدی، زندگی قیامت است. «لِحَيَاتِي»

۱۱- خدای رحیم، در جای خود شدید است. «لا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ»

۱۲- ممکن است برای کیفرهای خداوند در دنیا مشابهی باشد، اما در آخرت عذاب الهی مشابه ندارد. «فَيَوْمَئِذٍ لا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ»

۱۳- در قیامت، امکان فرار از عذاب نیست. لا يُعَذِّبُ ... لا يُوثِقُ

**يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ «۲۷» ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً «۲۸» فَادْخُلِي فِي عِبَادِي «۲۹» وَادْخُلِي جَنَّاتِي «۳۰»**

(۲۷) هان ای روح آرام یافته! (۲۸) به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. (۲۹) پس در زمره ی بندگان من در آی.

(۳۰) و به بهشت من داخل شو!

**نکته ها:**

\* دل آرام و نفس مطمئنه، با ذکر خدا به دست می آید. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» [۱۷] و بهترین ذکر خدا نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» [۱۸]

\* راضی بودن و مرضی بودن، نشانه نفس مطمئنه است که او از خدا راضی است و خدا نیز از او راضی است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا مؤمن از جان دادن خود راضی است؟ حضرت فرمود: در لحظه اول راضی نیست ولی فرشته قبض روح به او دلداری می دهد که من از پدر به تو مهربان ترم، چشمت را باز کن. او چشم باز می کند و پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان علیهم السلام را می بیند. فرشته می گوید: اینان دوستان تو هستند.

مؤمن هم با دیدن این صحنه راضی می شود و در این هنگام خطاب «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» را می شنود. [۱۹]

### پیام ها:

۱- اصالت انسان با روح است و بدن، مرکب آن است. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ» (خطاب خداوند به نفس است)

۲- بهشت بدون یار و همدم، بهشت نیست. «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»

۳- بهشت، انواع و درجانی دارد. «جَنَّتِي» چنانکه قرآن در موارد متعدد فرموده است: «جَنَّاتِ عَدْنِ»

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»